

درس هشتم: (عقل در فلسفه ۲)

خلاصه مطالب درس هشتم

- ✓ عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است. این جایگاه ممتاز، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف شده است.
 - ✓ در جهان اسلام به دو صورت با عقل مخالفت شد:
 - ۱- تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل ۲- مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاورد یونانی و غیراسلامی
 - ✓ در پاسخ به مخالفت با فلسفه و منطق به عنوان دستاورد یونانی و غیراسلامی، باید گفت:
 - آراء فیلسوفان یونانی با آموزه‌های اسلامی سازگاری دارد.
 - فلسفه، دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند.
 - بهره‌گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است و با نقد و بررسی این دستاوردها می‌توان قدم‌های بیشتری در جهت این دانش برداشت.
 - در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می‌کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.
 - ✓ فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و بنابر فیلسوفان عصر حاضر، درباره دو مصداق عقل سخن گفته‌اند:
 - ۱- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی ۲- عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت
 - ✓ عقول در نظر فیلسوفان مسلمان، اولین مخلوق خدا هستند که فوق عالم طبیعت‌اند و فیض خداوند از طریق آن‌ها به عوالم دیگر می‌رسد، این عقول هم علم حضوری به خود دارند، هم خالقشان را با علم حضوری درک می‌کنند و هم از مخلوقات پایین‌تر از خود درک حضوری دارند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آن‌ها هستند.
 - ✓ عقل انسان، پرتوی از عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می‌تواند به واسطه اتصال با عقل فعال، حقایق را آن گونه که عقول درک می‌نمایند، بیابد و مشاهده کند.
 - ✓ همه کارکردهای عقل و انواع استدلال‌ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می‌آیند و استدلال عقلی، معیار اولیه رد یا قبول هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.
- ✓ **لذابنا بر نظر عموم فیلسوفان مسلمان:**
 - ۱- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است.
 - ۲- عقل در کنار حس و قلب، یکی از ابزار معرفت است. مامی‌توانیم به کمک این ابزار در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آن‌ها را به دست آوریم. آنان همچنین عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می‌کنند.

۳- راه کسب معرفت منحصر به عقل نیست، بلکه حسّ و شهود هم معتبر است. آنان همچنین وحی را عالی‌ترین مرتبه شهود می‌شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش‌ها و معارف دست می‌یابند و آن دانش‌ها را در اختیار انسان‌های دیگر قرار می‌دهند. البته ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم و به نتیجه‌های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده‌های وحی تعارض‌هایی وجود دارد.

نکات توضیحی

۱- درباره اهمیت عقل در آیین اسلام باید گفت:

- مخاطب خدا و انبیاء (ع) عقل و انسان‌ها صاحب عقل است.
- عقل بر ایمان مقدم است و انسان با تعقل حقایق وحی را در می‌یابد و تصدیق می‌کند.
- انسان با عقل به احکام و آموزه‌های دینی شناخت پیدا می‌کند و از آن دفاع می‌نماید.
- کتاب و سنت، انسان را به تعقل و تدبیر دعوت می‌کند.
- بسیاری از معارف کتاب و سنت جز با ژرف‌اندیشی عقلی درک و فهم نمی‌شود.

۲: در ص ۶۳، در تمرین تفکر، شماره ۶ بعد از کلمه شما باید کلمه «نسبت» را اضافه کنیم.

۳: عقل از دیدگاه متون اسلامی و علما و اندیشمندان اسلامی حقیقتی مجرد و عالی است که انسان نیز بهره‌ای از آن دارد و بلکه تنها در انسان است که عقل با همه مراتبش شکوفا می‌شود. عقل انسانی نیز مراتب و اطوار و صور متعددی دارد: عقل حسّی و تجربی - عقل مفهومی و استدلالی - عقل شهودی - عقل استنباطی (مدرک نقل)

@سوالات

@گزاره‌های زیر را با واژه صحیح و غلط مشخص کنید:

- ۱- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود.
- ۲- در تاریخ اسلام عده خیلی کمی را مشاهده می‌کنیم که در برابر گذاشتن عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد.
- ۳- عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای به دست آورده و همواره از عقل به تحلیل یاد شده است.
- ۴- مخالفت برخی از جریان‌های فکری با عقل به شکل اول، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد.
- ۵- در شکل اول، مخالفت با عقل، جریان‌های فکری کوشیدند نشان دهند که برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند، مرتکب خطا می‌شوند.
- ۶- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام نشده است.
- ۷- فلسفه در جهان اسلام در بردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست.
- ۸- جایگاه ممتاز عقل، هیچگاه سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف نشد.
- ۹- مخالفت برخی از جریان‌های فکری اسلامی با عقل، سبب تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن شد.
- ۱۰- حمایت برخی از جریان‌های فکری اسلامی از عقل، مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی را به همراه داشت.
- ۱۱- فلاسفه می‌گویند بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه‌های اسلامی سازگاری ندارد.
- ۱۲- فلسفه دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد این شاخه از دانش بشود.

- ۱۳- هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد فلسفه بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند
- ۱۴- همانطور که در سایر شاخه های دانش نمی توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد، در فلسفه نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری نیست.
- ۱۵- با نقد و بررسی این دستاوردها می توان قدم های بیشتری در جهت فلسفه برداشت.
- ۱۶- اگر ما بپذیریم که عقل میتواند درباره هستی "بما هو" هستی و حقیقت پدیده های بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش، فلسفه است.
- ۱۷- در درستی و نادرستی یک دانش، فقط عقل است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.
- ۱۸- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره عقل فقط به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛ سخن گفته اند.
- ۱۹- فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا علامه طباطبایی و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره عقل فقط به عنوان قوه استدلال و شناخت سخن گفته اند.
- ۲۰- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هر اگلیتوس و افلاطون مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند.
- ۲۱- فیلسوفان مسلمان، اولین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری به ترتیب از آن به وجود آمده اند.
- ۲۲- به نظر فیلسوفان مسلمان، موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگری رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.
- ۲۳- به نظر فیلسوفان مسلمان، عقول مجرد هم علم حصولی به خود دارند، و خالقشان را با علم حضوری درک می کنند.
- ۲۴- فلاسفه مسلمان عقیده دارند عقول مجرد هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند.
- ۲۵- فلاسفه مسلمان می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد پرتوی از همان عالم ملکوت است.
- ۲۶- به نظر فیلسوفان مسلمان، عقل انسان اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد و مشاهده کند.
- ۲۷- یکی از عقول عالم عقل، عقل فعال است.
- ۲۸- عقل فعال، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست.
- ۲۹- به نظر ملامت و صدر، مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم.
- ۳۰- به نظر فارابی عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.
- ۳۱- فیلسوفان مسلمان را می توان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد.
- ۳۲- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه کارکرد های عقل و انواع استدلال ها، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب نمی آیند.
- ۳۳- استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، کارکرد های عقل و انواع استدلال ها هستند.
- ۳۴- استدلال های عقلی معیار اولیه قبول یارد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.

- ۳۵- عبارت "ما فرزندان دلیل هستیم" بیانگر این است که استدلال های عقلی برای تبیین فلسفی کافی هستند.
- ۳۶- ابن سینا معتقد است: هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.
- ۳۷- برخی فیلسوفان مسلمان معتقدند که پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است.
- ۳۸- به نظر فیلسوفان مسلمان، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد.
- ۳۹- به نظر فارابی، ایمانی که از پشتوانه عقلی تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.
- ۴۰- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار حس و قلب، یکی از ابزار معرفت می دانند.
- ۴۱- به نظر فلاسفه مسلمان، ما می توانیم به کمک ابزار عقل، در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم.
- ۴۲- فلاسفه مسلمان، عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند.
- ۴۳- فلاسفه مسلمان از محققان و مجتهدان می خواهند که از حس نیز برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند.
- ۴۴- فیلسوفان مسلمان، با این که اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند.
- ۴۵- فیلسوفان مسلمان، حس و شهود را هم معتبر می دانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.
- ۴۶- فیلسوفان مسلمان، عقل را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد.
- ۴۷- به نظر فیلسوفان اسلامی، انبیای الهی از طریق وحی به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.
- ۴۸- از نظر ابن سینا، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت می رسانند.
- ۴۹- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه نخواهند رسید و مؤید یکدیگر نخواهند بود.
- ۵۰- ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه های نادرست و اشتباه برسیم.
- ۵۱- ما انسان ها چون توانمندی های عقلی نامحدود و متفاوتی داریم، ممکن است احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد.
- ۵۲- به عقیده ملا صدرا، امکان دارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد.
- ۵۳- به عقیده ابن سینا، نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.
- @ جوابها: ۱- ص ۲- غ ۳- ص ۴- غ ۵- ص ۶- غ ۷- غ ۸- غ ۹- ص ۱۰- غ ۱۱- غ ۱۲- ص ۱۳- ص ۱۴- غ ۱۵- ص ۱۶- ص ۱۷- غ ۱۸- غ ۱۹- غ ۲۰- ص ۲۱- ص ۲۲- ص ۲۳- غ ۲۴- ص ۲۵- غ ۲۶- ص ۲۷- ص ۲۸- ص ۲۹- غ ۳۰- ص ۳۱- غ ۳۲- غ ۳۳- ص ۳۴- ص ۳۵- غ ۳۶- ص ۳۷- غ ۳۸- ص ۳۹- غ ۴۰- ص ۴۱- ص ۴۲- ص ۴۳- غ ۴۴- ص ۴۵- ص ۴۶- غ ۴۷- ص ۴۸- غ ۴۹- غ ۵۰- ص ۵۱- غ ۵۲- غ ۵۳- غ

@ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۵۴- یکی از عوامل مهم توجه به..... و..... در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم(ص) و عترت گرامی(ع) ایشان بود.
- ۵۵- عقل، در فرهنگ عمومی جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است.
- ۵۶- مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل، در شکل تنگ کردن و در عین پذیرش آن بود.
- ۵۷- مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل، در شکل مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی و بود.
- ۵۸- در شکل اول مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل، برخی معتقد بودند در مسائل دینی کاربردی ندارند.
- ۵۹- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با ظهور کرد.
- ۶۰- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تا کنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از وارد جهان اسلام شده و با عقاید سازگار نیست.
- ۶۱- فلاسفه می گویند جدا از این که بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند و با آموزه های اسلامی سازگاری دارد.
- ۶۲- فلسفه دانش و شاخه ای از است که هر فردی از هر ملیت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط و به اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند.
- ۶۳- همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آراء و نظرات دیگران استفاده کرد، در دانش فلسفه نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر است.
- ۶۴- اگر ما بپذیریم عقل می تواند درباره هستی "بماهو" و بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش، فلسفه است.
- ۶۵- در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط است که دآوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.
- ۶۶- فیلسوفان مسلمان، از تا و سایر فیلسوفان عصر حاضر، درباره هر دو مصداق عقل سخن گفته و پیرامون هر دو کتاب ها نوشته اند.
- ۶۷- فیلسوفان مسلمان، درباره مصداق عقل به عنوان وجودی و در هستی، سخن گفته و پیرامون هر دو کتاب ها نوشته اند.
- ۶۸- فیلسوفان مسلمان، درباره به عنوان قوه استدلال و شناخت سخن گفته و پیرامون هر دو کتاب ها نوشته اند.
- ۶۹- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از و مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند.
- ۷۰- فیلسوفان مسلمان، اولین مخلوق خدا را می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.

- ۷۱- موجودات مجرد که اندوفیض خداونداز طریق آنها به عوالم دیگر می رسد،..... را تشکیل می دهند.
- ۷۲- عقول هم به خوددارند،هم خالقشان را با..... درک می کنند.
- ۷۳- عقول هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را می کنند و هر دم در کار اداره وفیض رساندن به آنها هستند.
- ۷۴- فیلسوفان مسلمان، می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتوی از همان..... است.
- ۷۵- فیلسوفان مسلمان، می گویند اگر..... تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، ببیند و مشاهده کند.
- ۷۶- یکی از عقول عالم عقل، نام دارد؛ این عقل، عامل به عقل انسان هاست.
- ۷۷- مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند است نسبت به.....
- ۷۸- عقل فعال نخست چیزی در..... آدمی افزای می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به نائل می شود.
- ۷۹- فیلسوفان مسلمان را به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم کرد.
- ۸۰- فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه..... و..... محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.
- ۸۱- فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که همه کارکرد های عقل و انواع استدلال ها، از جمله..... ،..... و..... ، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می آیند.
- ۸۲- استدلال های عقلی قبول یابد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.
- ۸۳- ابن سینا می گوید: ما فرزندان هستیم.
- ۸۴- ابن سینا می گوید: هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از خارج شده است.
- ۸۵- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند است.
- ۸۶- عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند هر چند استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه است و حجت و دلیل هر گنبد به اندازه اوست.
- ۸۷- بنابراین، ایمانی ارزشمند است که داشته باشد.
- ۸۸- ایمانی که از تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشانند.
- ۸۹- فلاسفه مسلمان عقل را در کنار، یکی از ابزار معرفت می دانند.

۹۰- فلاسفهٔ مسلمان معتقدند که ما می توانیم به کمک ابزار عقل در بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم.

۹۱- فلاسفهٔ مسلمان عقل را در کنار ، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند.

می خواهند که از این منبع نیز برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند.

۹۲- فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل

منحصر نمی کنند بلکه را هم معتبر می دانند.

۹۳- برخی از فیلسوفان مسلمان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به دست یابند.

۹۴- فیلسوفان مسلمان همچنین وحی را عالی ترین می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد.

۹۵- انبیای الهی طریق وحی به برترین دست می یابند. آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.

۹۶- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به می رسانند. لذا در موضوعات حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.

۹۷- ما انسان ها چون توانمندی های عقلی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه

های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد.

۹۸- در موارد تعارض دستاوردهای عقلی و داده های وحی باید خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم و از تعارض

های ظاهری بکاهیم.

۹۹- به نظر : امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد.

۱۰۰- ملاصدرا معتقد است، نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند.

@جوابها: ۵۴- (عقل/عقلانیت) ۵۵- (مسلمانان) ۵۶- (محدودهٔ اعتبار/کارآمدی عقل) ۵۷- (یونانی/غیراسلامی) ۵۸- (روشهای عقلی) ۵۹- (فلسفه) ۶۰- (یونان/اسلامی) ۶۱- (سقراط/افلاطون/ارسطو) ۶۲- (معرفت/هستی/حقیقت) ۶۳- (ضروری) ۶۴- (هستی/حقیقت پدیده ها) ۶۵- (استدلال) ۶۶- (فارابی/علامه طباطبایی) ۶۷- (برتر/متعالی) ۶۸- (مصادق عقل) ۶۹- (هراکلیتوس/افلاطون) ۷۰- (عقل/عقول) ۷۱- (فوق عالم طبیعت/عالم عقول) ۷۲- (علم حضوری/علم حضوری) ۷۳- (درک حضوری) ۷۴- (عالم عقول) ۷۵- (عقل انسان) ۷۶- (عقل فعال/فیض رسانی) ۷۷- (آفتاب/چشم) ۷۸- (قوة عقلی/ادراک حقایق) ۷۹- (نمی توان) ۸۰- (کارکرد های عقل/انواع استدلال ها) ۸۱- (استدلال تجربی/تمثیل/برهان عقلی محض) ۸۲- (معیار اولیه) ۸۳- (دلیل) ۸۴- (حقیقت انسانی) ۸۵- (استدلال عقلی) ۸۶- (متفاوت/توان و قدرت فکری) ۸۷- (پشتوانهٔ عقلی) ۸۸- (پشتوانهٔ عقلی) ۸۹- (حس و قلب) ۹۰- (آیات و روایات) ۹۱- (قرآن و سنت/محققان و مجتهدان) ۹۲- (حس و شهود) ۹۳- (معرفت شهودی) ۹۴- (مرتبهٔ شهود) ۹۵- (دانش ها و معارف) ۹۶- (حقیقت/مشترک) ۹۷- (محدود و متفاوتی) ۹۸- (تلاش علمی) ۹۹- (ملاصدرا) ۱۰۰- (قرآن و سنت)

۱۰۱- هر یک از گزینه‌های سمت راست با یکی از گزینه‌های سمت چپ مناسبت دارد. آنها را در کنار هم

بنویسید (یک مورد درست چپ اضافی است)

- | | |
|---|--|
| الف) شکل دوم مخالفت با عقل | ۱- عقل جهانی |
| ب) شکل اول مخالفت با عقل | ۲- وحی |
| ج) عامل فیض رسانی به عقل انسان | ۳- علم حضوری |
| د) اولین مخلوق خداوند نزد فیلسوفان مسلمان | ۴- عقل فعال |
| و) اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی | ۵- عدم کاربرد برخی از روش‌های عقلی در مسائل دینی |
| ه) عالی‌ترین مرتبه شهود نزد فیلسوفان مسلمان | ۶- مخالفت با فلسفه |
| و) علم عقول به خود، خالق خویش و مخلوقات دیگر | ۷- عقل |
| ی) فوق عالم طبیعت اند و رساننده فیض به عوالم دیگر | ۸- استدلال عقلی |
| | ۹- موجودات مجرد |

@ جواب: الف) ۶ (ب) ۵ (ج) ۴ (د) ۷ (و) ۸ (ه) ۲ (و) ۳ (ی) ۹

@ گزینه صحیح را انتخاب کنید:

۱۰۲- کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) مخالفت برخی از جریان‌های فکری با عقل، در شکل‌های دیگری ظهور کرد.
- ۲) فلاسفه مسلمان، در مخالفت با هر اکتیوس و افلاطون مرتبه‌ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده‌اند.
- ۳) فیلسوفان مسلمان، اولین مخلوق خدا را عقل می‌دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است.
- ۴) استدلال‌های عقلی معیار اولیه قبول یارد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.

۱۰۳- مضمون بیت ذیل با کدام گزینه مناسبت دارد؟

غیر این عقل تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست

- ۱) موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می‌رسد، عالم عقول را تشکیل می‌دهند.
- ۲) همه کارکردهای عقل و انواع استدلال‌ها، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می‌آیند.
- ۳) استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.
- ۴) فیلسوفان مسلمان اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی میدانند و راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی‌کنند.

۱۰۴- در نظر فیلسوفان مسلمان ، وساطت در رساندن فیض به عوالم دیگر به عهده است و عامل فیض رسانی به عقل انسان همان است.

(۱) موجودات مجرد - آفریننده جهان

(۲) موجودات مجرد- عقل فعال

(۳) فرشتگان مقرب- عقل فعال

(۴) فرشتگان مقرب- آفریننده جهان

۱۰۵- شکل های عمده مخالفت با عقل نزد برخی جریانات فکری اسلامی در کدام گزینه آمده است؟

(۱) تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن / مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی مخالف و ناسازگار با دین.

(۲) تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین رد آن / مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی.

(۳) افزایش و توسعه محدوده کارآمدی عقل در عین رد آن / مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی مخالف و ناسازگار با دین.

(۴) افزایش و توسعه محدوده کارآمدی عقل در عین پذیرش آن / مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی مخالف و ناسازگار با دین.

۱۰۶- علت اساسی و اصلی مخالفت برخی از جریانات فکری با فلسفه چیست؟

(۱) برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند.

(۲) کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند.

(۳) در این دانش بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری نیست.

(۴) دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و با عقاید اسلامی سازگار نیست.

@ جواب تست ها: ۱۰۲- گزینه ۲ ۱۰۳- گزینه ۱ ۱۰۴- گزینه ۲ ۱۰۵- گزینه ۲ ۱۰۶- گزینه ۴

@ به سؤالات ذیل جواب کوتاه دهید:

۱۰۷- فیلسوفان مسلمان از کدام دو فیلسوف یونانی روشن تر و دقیق تر مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند؟

هراکلیتوس و افلاطون

۱۰۸- از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه مسئله ای می باشد؟

پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود.

۱۰۹- چرا کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته و یا با عقل ستیز کرده باشد؟

یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام، پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود.

۱۱۰- جایگاه ممتاز و ویژه عقل، سبب چه چیزی در بین مسلمان شد؟

سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد.

۱۱۱- دو مصداق عقل نزد فیلسوفان مسلمان را بنویسید؟

۱- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی. ۲- عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت.

۱۱۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان کدام عامل فیض رسانی به عقل انسان ها است؟

عقل فعال

۱۱۳- مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل، در شکل های مختلفی ظهور کرد که دو شکل عمده آن

را بنویسید؟

۱- تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛ ۲- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی.

۱۱۴- چرا برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل و فلسفه و منطق مخالفت کردند؟

زیرا از آنها به عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی یاد می کردند.

۱۱۵- مخالفت برخی از جریانات فکری اسلامی با عقل منجر به مخالفت با کدام دانشها شد؟ دلیل آنان چه بود؟

مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی.

۱۱۶- شکل اول مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل به چه صورت بود؟ توضیح دهید.

این جریان های کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روشها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند.

۱۱۷- مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل و تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین

پذیرش آن را توضیح دهید.

این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روشها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند.

۱۱۸- عبارت زیر بیانگر عقیده کیست؟ (با اندکی تغییر نهایی / دی ماه ۹۷)

"امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند"

جواب: ملا صدرا

۱۱۹- از نظر فلاسفهٔ مسلمان سه راه برای رسیدن به حقیقت وجود دارد که یکی از آنها وحی می باشد، دومورد دیگر رانام ببرید. (نهایی/دی ماه ۹۸)

عقل-شهود

۱۲۰- دو مصداق عقل نزد فلاسفهٔ مسلمان را بنویسید. (نهایی/دی ماه ۹۸)

۱- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛ ۲- عقل، به عنوان قوهٔ استدلال و شناخت.

۱۲۱- به عقیدهٔ فیلسوفان اسلامی، ملاک پذیرش یک نظریه و داوری در درستی یا نادرستی یک دانش چیست؟

در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.

۱۲۲- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از هراکلیتوس و افلاطون چه چیزی اثبات کرده اند؟

مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است را اثبات کرده اند.

۱۲۳- اولین مخلوق از نظر فیلسوفان مسلمان، چیست؟ وجه ویژگی ها و خصوصیات دارد؟

آنان اولین مخلوق خدا را عقل میدانند که موجودی کامل اروحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.

۱۲۴- جایگاه عقل در دین به چند روش است؟ نام ببرید؟

۱- عقل به عنوان منبع معرفت دینی ۲- عقل به عنوان ابزار کسب معرفت دینی

۱۲۵- مفاهیم و اصطلاحات مقابل را تعریف کنید: الف- عالم عقول ب- علم عقول به خود ج- علم عقول به

خالق خویش د- علم عقول به مخلوقات دیگر

الف- این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.

ب- علم حضوری

ج- خالقشان را نیز با علم حضوری درک می کنند.

د- هم به مخلوقات پایین تر از خود علم دارند و آنها را درک حضوری می کنند و هر دم در کار اداره و فیض رساندن به آنها هستند.

۱۲۶- چرا فیلسوفان اسلامی به این عبارت که "ما فرزندان دلیل هستیم." معتقدند؟

استدلال های عقلی معیار اولیهٔ قبول یابد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.

۱۲۷- به نظر ابن سینا کدام انسان، از حقیقت انسان خارج شده است؟

هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.

۱۲۸- به نظر عموم فیلسوفان مسلمان، کدام نوع ایمان از شمنند است؟

ایمانی ارزشمند است که پشتوانهٔ عقلی داشته باشد. ایمانی که از چنین پشتوانه ای تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.

۱۲۹- به نظر فیلسوفان مسلمان، عقلی که در انسان هست دارای چه ویژگی‌ها است؟ وجه ارتباطی با عالم عقول دارد؟ و کدام عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست؟

آنان می‌گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می‌دهد و پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می‌تواند حقایق را آن‌گونه که عقول درک می‌کنند، بیابد و مشاهده کند. یکی از عقول عالم عقل "عقل فعال" نام دارد؛ این عقل، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست.

۱۳۰- تمثیل فارابی را در مورد مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان را توضیح دهید؟

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینایی بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی اضافه می‌کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق ناقل می‌شود.

۱۳۱- دلیل این که فیلسوفان مسلمان را نمی‌توان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم کرد در یک یا دو سطر بنویسید؟ (ذکر یک مورد کافی است)

۱- زیرا عموم آنان عقیده دارند که همه کارکردهای عقل و انواع استدلال‌ها، از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض، هر کدام در جایگاه خود روشی درست برای کسب دانش به حساب می‌آیند. ۲- به عبارت دیگر، استدلال‌های عقلی معیار اولیه قبول یابد هر حکم و هر نظر علمی و فلسفی هستند.

۱۳۲- با توجه به مبنای مشترک عموم فیلسوفان مسلمان، پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند چیست؟ توضیح دهید. پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هر چند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

۱۳۳- چرا فلاسفه مسلمان عقل را در کنار حس و قلب، یکی از ابزار معرفت می‌دانند؟

چون معتقدند که مامی توانیم به کمک این ابزار در آیات و روایات ببینیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم. آنان همچنین عقل را در کنار قرآن و سنت، یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می‌کنند و از محققان و مجتهدان میخواهند که از این منبع نیز برای رسیدن به حقایق دین بهره ببرند.

۱۳۴- آیا تنها راه کسب معرفت نزد فیلسوفان مسلمان منحصر به عقل است؟ این مسئله را بررسی کنید.

فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می‌دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی‌کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر میدانند. از این رو، برخی از آنان تلاش می‌کردند تا تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.

۱۳۵- عالی‌ترین مرتبه شهود از نظر فیلسوفان مسلمان چیست؟ و این مرتبه مختص چه کسانی است؟

آنان همچنین وحی را عالی‌ترین مرتبه شهود می‌شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش‌ها و معارف دست می‌یابند و آن دانش‌ها را در اختیار انسان‌های دیگر قرار می‌دهند.

۱۳۶- از نظر فیلسوفان مسلمان، چگونه می‌توان به حقیقت دست یافت؟

از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه مارابه حقیقت می‌رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید و مؤید یکدیگر خواهند بود.

۱۳۷- از نظر فیلسوفان مسلمان چه زمانی ممکن است احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی؛ تعارض های وجود دارد؟ توضیح دهید.

ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد، در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم و از تعارض های ظاهری بکاهیم.

۱۳۸- نظر ملاصدرا، در مورد امکان تعارض میان عقل و دین چیست؟

امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند

۱۳۹- شکل دوم مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل به چه صورت بود؟ توضیح دهید.

شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تا کنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست.

۱۴۰- فیلسوفان در پاسخ به این ایراد که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست، چه پاسخی داده اند؟

در پاسخ به این سخن، فلاسفه می گویند ۱- جدا زاین که بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی میتواند در این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تولید دانش کند. ۲- همچنین، همانطور که در سایر شاخه های دانش می توان از آراء و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است و با نقد و بررسی این دستاوردها می توان قدم های بیشتری در جهت این دانش برداشت. ۳- اگر ما بپذیریم که عقل میتواند درباره هستی و حقیقت پدیده های بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش، فلسفه است. در درستی و نادرستی یک دانش نیز فقط استدلال است که داوری می کند، نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن.

۱۴۱- نظر ملاصدرا، درباره رابطه عقل و دین چیست؟ (تهایی/دی ماه ۹۷ و خرداد و شهریور ۹۸)

امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آنها مطابقت نکند

۱۴۲- فیلسوفان مسلمان (مشاء) عالمی که واسطه میان خدا (واجب الوجود بالذات) و طبیعت است، چه نام دارد و وظایف موجودات آن عالم چیست؟ (با اندکی تغییر نهایی دی ماه ۹۸)

وجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند. آنان اولین مخلوق خدا را عقل می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند. این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند را طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.

✓ اشتراک و تساوی مفهومی بین خدا و خلق، به معنای تساوی مصداقی بین این دو نیست. ضمن این که فلاسفه برای استدلال تمثیلی منزلتی قایل نیستند.

ملاحظه راهنمای معلم: در کتاب منطق دهم، از قول فلاسفه و منطق دانان بیان شده که روش تمثیل روشی یقین آور نیست و لذا از این روش، نه تنها درباره خدا بلکه درباره هر امر دیگری نمی توان استفاده کرد و از این طریق نمی توان به نتایج یقینی رسید. اما نقد ابن تیمیه بر قیاس صحیح نیست. در مواردی می توان از برهان قیاسی برای اثبات برخی از احکام و صفات برای خدا کمک گرفت. به طور مثال، کبرای برهان نظم که می گوید: « مجموعه منظمی نظم دهنده می خواهد» نظم دهنده، اعم از خدا و غیر خداست. اما این، به معنای مساوی بودن خدا با غیر خدا نیست. نظم دهنده گی غیر خدا محدود به توان علمی و قدرت محدود اوست لذا یک نظم دهنده گی ناقص است. اما نظم دهنده گی خداوند، کامل و بی عیب و نقص است. بنابراین خدا شبیه وهم ردیف مخلوقات خود نیست. برخی موارد هم هست که حد وسط برهان با اینکه کلی است، ولی فقط شامل خداوند می شود. مثل این برهان: موجودات این جهان همه ممکن الوجود هستند. هر ممکن الوجودی نیازمند واجب الوجودی است که او را ایجاد کند. پس این جهان در به وجود آمدن خود نیازمند واجب الوجود است. حد وسط این برهان یک حد وسط کلی است، اما اینک مصداق بیشتر ندارد که همان خداوندی است که وجود برایش ضروری است و واجب الوجود است. ابن تیمیه و برخی دیگر از متکلمین دچار مشکل دیگری نیز بوده اند. که شاید آن مشکل سبب این نقد وی بر قیاس شده است و آن اینکه: آنها گفته اند اقتضای اینکه چیزی مثل خدا نباشد (پس کمثله شیء) این است که هر لفظی را که برای غیر خدا به کار می بریم، برای خدا استفاده نکنیم و اگر به کار بردیم، به همان معنایی که برای غیر خدا استفاده کرده ایم، استفاده نماییم. مثلاً ما الفاظ موجود، عالم، قادر، زنده و امثال آنها را برای انسان ها استفاده میکنیم و میگوییم مثلاً انسان موجودی زنده است. حال اگر گفتیم خدا موجودی زنده است خدا را شبیه انسان کرده ایم. پس در اینجا باید معنای موجود و زنده در انسان با معنای موجود و زنده در حیوان متفاوت باشد. وقتی سؤال می شود که آن معنای متفاوت چیست؟ می گویند ما آن معنا را نمی دانیم زیرا ما فقط معنای کلماتی را می دانیم که از همین اشیای پیرامون خود گرفته ایم. فلاسفه در نقد این نظر می گویند: نتیجه این نظر این است که وقتی می گوییم خدا موجود است، با وقت که آن جمله را نمی گوییم یکی است. زیرا در هر دو حالت هیچ معنایی به ذهن ما نیامده و در واقع، با گفتن آن جمله معنایی به دست ما نیامده است. فلاسفه می گویند: اینکه قرآن کریم فرموده "لینس کمثله" معنایش این نیست که هیچ لفظی را برای خدا به کار نبریم یا اگر به کار بردیم، بگوییم معنایی متفاوت با مخلوق دارد. خیر، معنا یکی است. تفاوت در نحوه وجود و علم و قدرت در خدا و مخلوقات است. خدا موجود است، اما وجود او از ذاتش هست و وجود مخلوقات از خداست. وجود او نامحدود است و وجود مخلوقات، محدود است و به همین ترتیب است در مورد علم و قدرت و سایر صفات.

✓ نظر اشاعره خلاف عقل سلیم و متعارف است و با آموزه های دین هم سازگار نیست. در آیات و روایات عقل انسان مخاطب امر و نهی قرار گرفته و انسان را به استفاده از عقل در درک و شناخت امور و از جمله آیات الهی تشویق و ترغیب کرده است. البته آنان برای این که از اراده و قدرت و مقام خدایی خدا دفاع کرده باشند، به این راه رفته اند. اما اعتقاد به حسن و قبح عقلی منافاتی با قدرت مطلق خدا ندارد ولی انکار حسن و قبح عقلی با بسیاری از آموزه های دین تعارض دارد.

ملاحظه راهنمای معلم: این فعالیت ناظر به یکی از مباحث در حوزه فلسفه اخلاق و توانایی عقل در تشخیص خوبی و بدی است. اشاعره معتقد به حسن و قبح شرعی هستند و شیعه و معتزله معتقد به حسن و قبح عقلی. فلاسفه شیعه نیز معتقد به حسن و قبح عقلی هستند گرچه نحوه تبیین آنان با نحوه تبیین معتزله متفاوت است.

- ۱- به سخن درآمدن یعنی همان داشتن درک و بیان یا همان نطق است.
 - ۲- عقل لایق این است که مخاطب خدای متعال باشد و قابل تکلیف و بندگی خداست.
 - ۳- عقل همان روح و نفخه الهی است که در هنگام آفرینش در وجود انسان دمیده شد.
- ملاحظه راهنمای معلم: ۱- به سخن درآمدن عقل اشاره به این دارد که قوه نطق، ظهور داده های عقل و مفاهیم عقلی در قالب کلمات و الفاظ است. بنابراین مقصود ارسطو نیز از قوه نطق، صرف سخن گفتن نبوده، بلکه منظوری بیان مفاهیم و استدلال های عقلی در قالب لفظ و بیان بوده است. ۲- از آنجا که عقل همان قوه ای در وجود ماست که به وسیله منطق و استدلال، درست را از نادرست و خوب را از بد، به عبارت دیگر، حق را از باطل تشخیص می دهد، این قوه است که تشخیص می دهد که باید فرمان خدا را پذیرفت و آن را اطاعت کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: عاقل در برابر حق خاشع و خاضع است. زیرا قوه عقل او به فعلیت رسیده و عقل او حق را تشخیص می دهد و دعوت به حق می کند. ۳- انسان بالقوه خلیفه خداست و می تواند جانشین خدا شود، دارای ظرفیتی عظیم در نظام خلقت است. این ظرفیت عظیم ناشی از آن است که در وجود او مرتبه ای از عقل از جانب خداوند به ودیعت نهاده شده که پرتوی از همان عقلی است که امام باقر علیه السلام بدان اشاره کرده است و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده که آن عقل که خدا در ابتدا خلق کرده، از جنس روح است. همچنین خداوند درباره انسان فرموده و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي /سوره حجر، ۲۹ پس معلوم می شود که بارقه ای از آن روح و آن عقل در هر انسانی هست.

- ✓ بله. فلاسفه مسلمان اعتقاد دارند که تمام ابزارهای شناخت مقام و اعتبار خود را دارد و از جمله عقل که در میان ابزارهای شناختی از جایگاهی ویژه برخوردار است.
- ملاحظه راهنمای معلم: فیلسوفان عقل گرای اروپایی که هم استدلال عقلمحض و هم استدلال تجربی را قبول داشتند، دیدگاهشان به این دیدگاه فلاسفه اسلامی نزدیک است. اما فیلسوفان تجربه گرا اینگونه نمی اندیشند و معتقدند که فقط عقل تجربی توانایی رسیدن به علم را به ما می دهد.

- ۱- در این دیدگاه، برخلاف دیدگاه فیلسوفان مسلمان، ایمان بر عقل تقدم دارد و حتی عقل در مورد ایمان کارایی و نقشی ندارد. ۲- بله. مسیحیان هم اغلب به تقدم ایمان بر عقل و حتی بر عقل بستیز بودن ایمان قائل اند.
- ملاحظه راهنمای معلم: در این فعالیت سخنی از بیروان بودا آمده است که باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در این سخن تشبیهی صورت گرفته که تشبیه درستی نیست. تشبیه این گونه است ایمان به یک حقیقت از راه استدلال و در انتظار استدلال قانع کننده نشستن مانند کسی است که تیر کشنده ای به او اصابت کرده و به جای معالجه فوری، به دنبال یافتن تیرانداز و کمان اوست. این دو نفر هر دو زمان را از دست می دهند و دچار خسارت می شوند. این مثال صحیح نیست، و یک مغالطه است. دنبال استدلال رفتن مشابه به دنبال تیرانداز و کمان او رفتن نیست، بلکه مشابه دنبال پزشک حادث رفتن است. کسی که تیر کشنده خورده و حیات او در خطر است نیازمند پزشکی است که او را از خطر مرگ نجات دهد. کسی هم که فقط یک بار به دنیا می آید و فقط یک عمر دارد، باید بکوشد که راه درست را بیابد و برای این کار باید فوراً عقل را به کمک بگیرد تا راه درست زندگی را بهتر بیابد. آری، خود عقل به ما می گوید که در هر مرحله از تلاش عقلی به همان میزان که عقل به ما کمک کرده از توصیه های عقل بهره می بریم و می کوشیم که تلاش عقلانی بیشتری به خرج دهیم تا از راهنمایی های عقل بیشتر بهره ببریم. این نظر بودائیان بانظر برخی از رهبران کلیسا در دوره اول قرون وسطی هماهنگی دارد. همان طور که در درس قبل گفته شد، آنان نیز معتقد بودند که نباید عقل را در مسائل دینی و اعتقادی دخالت داد. البته توجیه آنان این بود که عقل سبب تضعیف ایمان می شود.

۱- تعقل و تفکر عقلی بالاتر از هر عبادتی و در واقع بالاترین عبادت است.

۲- نشان دهنده این است که ایمان اسلامی با عقلانیت فلسفی تعارضی ندارد.

۳- پیامش این است که مقام و مرتبه ایمان هر کس به اندازه عقل و درک عقلانی اوست.

ملاحظه راهنمای معلم: در این فعالیت باید به موارد زیر توجه شود:

الف- در توصیفی که ابن سینا از پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین علیهما السلام می کند، نشان می دهد که این دو بزرگوار برترین انسان های عاقل و حکیم هستند و قدرت عقلی آنان در بالاترین حد است.

ب- توصیه پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین (ع) توصیه به عبادت عقلانی است. این توصیه دو معنای تواند داشته باشد: یکی اینکه انسان اهل تفکر باشد و در نعمت های الهی و جهان خلقت تفکر کند که در این مورد هم احادیث زیادی وارد شده، از جمله اینکه: لاعبادة کالتفکر، لاعبادة کالتفکر.

دوم اینکه عبادات و اعمال و رفتار خود را با تفکر توأم کند و با فکر و اندیشه انجام دهد. پیام فلسفی این جمله آن است که ابن سینا که خود یک فیلسوف بزرگ است، دین اسلام را یک دین کاملاً عقلانی و منطقی یافته و رهبران این دین را انسان هایی مشاهده کرده که در بالاترین مرتبه عقل و عقلانیت هستند.